

## توانانیهای علمی کارمندان، مترجمین و ناقلین بیت‌الحکمه عباسی

تألیف: عبدالجبار ناجی  
ترجمه: فرزانه آجرلو

بیت‌الحکمه از زمان بنای شهر بغداد‌السلام توسط ابوجعفر منصور، یکی از مؤسسات مهم علمی این شهر شمرده می‌شود. اگرچه اشاره مستقیمی در تبیین وجود بیت‌الحکمه یا خزانه‌الحکمه در زمان منصور، یعنی سال تأسیس پایتخت ۷۶۱/۱۴۵ نشده، اما معروف است که ابوجعفر به گردآوری تألیفات فلسفی و بخصوص تألیفات طبی و ترجمه آنها به زبان عربی اهتمام داشته است. ابن‌ندیم ذکر می‌کند، منصور خزانه‌ای داشت که حاوی ترجمه‌هایی از علوم طب، هندسه، نجوم و منطق بود، پس از وی خلفاء عباسی این خزانه را به ارث بردند. مهدی‌بن منصور به علاقه شدیدی به علم و تشویق علماء موصوف است، به خصوص در حمله‌اش به شعوبیه و زندقه و رد آنها و تحریک علماء و ادباء به تألیف تاریخ عرب و تمدن، نسب و زبان ایشان. از این رو مهدی خزانه پدرش را با تشویق وی به خرید و گردآوری و ترجمه کتب، توسعه و پیشرفت داد. هادی و محمدمین نیز هر یک به این کار اقدام کردند. فضیلت متمرکز ساختن تلاشهای علمی جهت ارتقاء این خزانه - خزانه‌الکتب- تا رشد و تحول آن به مؤسسه‌ای در تحقیق، تألیف و ترجمه از آن هارون‌الرشید است (خلافت وی ۱۷۰-۱۹۳)، رشید به دلیل اشتیاق و اهتمامش نسبت به خزانه به عنوان رئیس آن، به گردآوری بسیاری از تألیفات علمی از کشورهای متعدد و در حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی پرداخت. به این شکل، فعالیت‌های خزانه گسترش یافت و تبدیل به تعدادی خزانه گشت که برای هر یک، مترجمین برجسته، نساخین، مجلدین و نگهبانانی اختصاص داده شد. ابوزکریا یحیی‌بن ماسویه، طبیب مشهور که متصف به فضل و علم و تحقیق

۱. قفطی جمال‌الدین ابوالحسن، تاریخ‌الحکماء، ص ۲۲۰، ابن‌ندیم، الفهرست، ص ۱۱۸ و ۲۴۸

و تصنیف است دبیر آن بوده، او در زمینه طب به رشید خدمت کرده، رشید وی را به سمت ناظر طرح ترجمه تألیفات طبی قدیم که در روم و آنکارا و عموریه نگهداری می‌شده، منصوب کرده، این امر در زمان فتح این شهرها توسط خلیفه بوده، تعبیر خزانه‌الحکمه اولین بار در زمان این خلیفه بکار برده شده است. یوحنا بن ماسویه به عنوان امین ترجمه بوده، مقصود از امین ناظر علمی و فنی بر روند ترجمه است، اما این بدان معنا نیست که این ماسویه این طرح عظیم را به تنهایی به عهده گرفته باشد، وی نویسندگانی ماهر را به کار گرفته تا برایش کتابت کنند و مترجمین برجسته‌ای را نیز برای این مقصود اختیار می‌کند.<sup>۱</sup> یوحنا در خدمت امین، مأمون، معتصم، واثق و متوکل نیز بوده، و در سال ۲۴۳ در زمان متوکل وفات یافته است. یوحنا در خزانه‌الحکمه مجالس علمی و فرهنگی برپا می‌کرده، این ندیم در ادامه می‌گوید، مجلس وی از پربرترین مجالس به حساب می‌آمد، چراکه همایشی فرهنگی و محل اجتماع علماء انواع علوم مختلف از اهل ادب و طب و فلسفه<sup>۲</sup> بود. هارون الرشید در کنار یوحنا بن ماسویه، ابوسهل فضل بن نوبخت را به عنوان امین خزانه‌الحکمه تعیین کرده، در حالیکه یوحنا تنها امین ترجمه بوده است. در منزلت علمی فضل آمده که وی مترجم ماهر فارسی به عربی و شاید هم متخصص ترجمه تألیفات فارسی در زمینه فلک و نجوم بوده است. در همین ارتباط، علان و زاق مسئول تجهیز خزانه با تألیفات فارسی مورد نیاز آن، و علاوه بر آن تجهیز خزانه به نوشت افزار بوده است. خزانه‌الحکمه در زمان خلافت مأمون ۱۹۶-۲۱۸ تحول اساسی و سریعی به خود دیده، و از خزانه‌ای جهت گردآوری و ترجمه کتب، تبدیل به دارالعلم و یا به تعبیر گروهی از معاصرین، مرکز ترجمه و تحقیق علمی می‌گردد. احتمالاً مأمون ساختمانی را به آن اختصاص داده، که موقعیتش در آن زمان معلوم نیست، این بعد دوره‌ایست که در پیوست با یکی از قصرهای خلفاء عباسی بوده و بر آن بیت‌الحکمه اطلاق می‌شده، روایتی وجود دارد که مورد توافق چند تن از علماء است، از جمله خطیب بغدادی (وفات ۴۶۲) در تاریخ بغداد، یاقوت حموی (وفات ۶۲۶) در معجم‌البلدان، ابن خلکان (وفات ۶۸۱) در وفيات الاعیان، مبنی بر اینکه مأمون، عالم نحوی معروف به ابوزکریا یحیی بن زیاد فراء را به جهت تصنیف کتابی جامع اصول نحو برگزید<sup>۳</sup> که متن کامل آن پیش از این در فصل دوم گذشت.

این روایت به وضوح نشان می‌دهد، ساختمان بیت‌الحکمه شامل حجره‌هایی برای تحقیق و تألیف و ترجمه و امور خدماتی بوده، و علماء آن در زمینه ترجمه تألیفات قدیم یونانی که از جزیره قبرس، قسطنطنیه و عموریه آورده شده و همچنین تألیفات هندی و فارسی از هند و فارس فعالیت می‌کرده اند. از این دوره تاریخی فعالیتهای علمی بیت‌الحکمه شروع به گسترش نموده و همانگونه که از اطلاعات فراوان پیداست، قسمتهایی را شامل می‌شده است:

۱- بخشی ویژه ترجمه تألیفات طبی از سریانی به عربی و یا یونانی به عربی توسط مترجمین متخصصی

۱. ابن ندیم، ص ۴۱۱، قفطی، ص ۳۸-۳۸۱

۲. قفطی، ص ۲۴۹، ۲۴۷

۳. خطیب بغدادی (حافظ ابوبکر احمد)، تاریخ بغداد یا مدینه‌الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۴۹-۱۵۰، یاقوت حموی، معجم‌الأدباء، ج ۲۰، ص ۱۲-۱۳، ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء أبناء الزمان، ج ۶، ص ۱۷۷

که بر هر دو زبان یا یکی از دو زبان مسلط بوده اند. احتمالاً این بخش که تحت نظارت امینی بوده، به شاخه‌های طب یونانی تقسیم می‌شده، از جمله مشهورترین این مترجمین که ابن‌ندیم آنها را به طور ویژه ذکر کرده: حجاج بن یوسف بن مطر متوفی به سال ۲۲۸، یحیی بن بطریق متوفی به سال ۲۰۰، یوحنا بن ماسویه متوفی به سال ۲۴۷، حنین بن اسحاق متوفی به سال ۲۶۰، یحیی بن عدی ۳۶۴، بختیشوع بن جرجیس ۱۷۱، قسطا بن یوقا ۲۱۸، حبیب بن بهریز مطران موصل، ایوب رهاوی، ایوب بن قاسم رقی، اسطفان بن باسیل، حبیب بن حسن اعسم، عبدالملک بن عبدالله حمصی معروف به ابن ناعمه، زروبا بن ماجوه ناعمی حمصی، هلال بن ابی هلال حمصی، ابن شهیدی کرخی و غیره<sup>۱</sup>.

۲- بخشی ویژه ترجمه علوم فلسفی، منطق، سیاست، روانشناسی بوده، ابن‌ندیم و قفطی به تعدادی از مترجمین در این بخش اشاره دارند که تألیفات ارسطو طالیس، افلاطون و غیره از میان فلاسفه یونان را ترجمه می‌کرده اند، مانند: یحیی بن بطریق، قسطا بن لوقا، ثابت بن قره، حبیب بن اعسم، ابراهیم بن عبدالله و غیره.

۳- دلایل موجود در کتاب فهرست و دیگر تألیفات نشان می‌دهد، بخشی ویژه تألیفات مربوط به فن آیین یا آداب و رسوم سیاسی<sup>۲</sup> از فارسی به عربی بوده با مترجمینی چون: محمد بن جهم، علی بن داود، علی بن عبیده ریحانی و هشام بن قاسم.

۴- بیت‌الحکمه بخشی ویژه ترجمه تألیفات مربوط به فلک، نجوم و دیگر علوم از زبان هندی و نبطی به عربی داشته، در این بخش مترجمین از جمله ابن‌وهن هندی، منکه هندی، جودر هندی و صنعهل بوده‌اند.<sup>۳</sup>  
۵- مأمون به رصد و فلک توجه زیادی داشته، وی هنگامی که تصمیم به تأسیس مرکزی برای رصد نموده، ابن‌خلف مرورودی را به ساخت ابزار رصد مأمور ساخته است. ابن‌خلف ابزاری را ساخته که ذات الحلق [ابزاری دارای چند حلقه روی هم] و مهمترین ابزار رصد برای هر رصدخانه‌ای به حساب می‌آمده، این ابزار از پنج دایره مسی تشکیل می‌شده است<sup>۴</sup>. احتمالاً این رصدخانه علمی که مأمون آن را در منطقه شماسیه (صلیخ کنونی) تأسیس کرده، از ناحیه بیت‌الحکمه اداره می‌شده، به گفته قفطی در این رصدخانه فردی به عنوان امین بر رصدکنندگان و ناظر بر آزمون آنها بوده است<sup>۵</sup>.

۶- بخشی ویژه ترجمه کتب مرجع یونانی، فارسی و هندی و علوم کشاورزی، هندسه، مکانیک، ریاضیات و موسیقی بوده، ابن‌ندیم و دیگران، علماء این بخش را حبیب بن عبدالمطلب، حاسب، ابوعلی یحیی بن غالب خیاط، عطار دین محمد، ابو العباس فضل بن حاتم، محمد بن موسی خوارزمی، سند بن علی فزاری، علی بن عیسی و احمد بن اسحاق حرانی، علی بن احمد مهندس، ابن وحشییه، جابر بن سنان حرانی، علی بن یعقوب رصاص و

۱. ابن‌ندیم، ص ۳۰۴-۳۰۵

۲. همان، ص ۳۰۵-۳۰۶

۳. همان، ص ۳۰۵-۳۰۳

۴. ابن‌ندیم، ص ۳۴۲، حاجی‌خلیفه مصطفی، کشف‌الظنون عن أسامی‌الکتب و الفنون، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶

۵. قفطی، ص ۱۴۱

ربیع بن فراس حرّانی<sup>۱</sup> می دانند.

۷- به احتمال زیاد بیت‌الحکمه دارای حجره‌هایی مخصوص تحقیق و ترجمه و حجره‌هایی نیز برای سکونت علماء و اهل درس و بحث و تألیف داشته، محمدبن موسی خوارزمی، همانگونه که ابن‌ندیم ذکر می‌کند، در خزائن بیت‌الحکمه مشغول به کار بوده است.<sup>۲</sup>

۸- علاوه بر حجره علماء، حجره‌هایی مخصوص مجلّدين و نساخین وجود داشته، که اسامی بعضی از آنها توسط ابن‌ندیم ذکر شده از جمله: علّان وراق و ابن ابی الحریش که سازنده جلد کتب بوده است.<sup>۳</sup>

۹- حجره‌های خدماتی جهت انبار کردن کاغذ و جوهر و قلم و مهیا کردن اموری که فضای مناسب تحقیق و ترجمه را فراهم می‌آورد.

۱۰- پستهای اداری و علمی برای نظارت بر هر بخشی از بیت‌الحکمه که به «امین» معروف بوده، این پست در زمان هارون الرشید ایجاد شده است.

۱۱- مهم‌تر از همه اینکه بیت‌الحکمه شامل خزانه‌ایست که تألیفات نفیس خطی را در انواع خطها و زمینه‌های مختلف دانش دربردارد، ابن‌ندیم به مناسبت‌هایی از این خزانه یاد کرده و از کتب نفیسی سخن به میان آورده که آنها را دیده و بر آنها اطلاع یافته است، بعضی از این کتابها منحصر به فردند.

### کارمندان بیت‌الحکمه

مؤسسه‌ای علمی مانند بیت‌الحکمه که عملاً وابسته به خلیفه عباسی بوده، ناگزیر مستلزم پست‌هایی اداری جهت نظارت عمومی است، اطلاعات فراوانی بر این امر تصریح دارد. بیت‌الحکمه توسط مسئول و یا ناظری عمومی که آن زمان با عنوان «صاحب بیت‌الحکمه» شناخته می‌شده و گاهی نیز با عنوان «امین بیت‌الحکمه»، اداره می‌شده، اسامی افرادی که در دوره خلفای عباسی از زمان هارون الرشید تا متوکل عهده دار این منصب بوده‌اند، آمده است:

۱- با وجودیکه یوحنا بن ماسویه با صراحت به عنوان امین خزانه‌الحکمه در زمان هارون الرشید ذکر نشده، و تنها امین ترجمه بوده، اما به نظر می‌رسد وی اولین کسی است که منصب امین خزانه‌الحکمه را نیز بر عهده داشته، مؤکد این امر آنست که هارون الرشید مسئولیت «امین خزانه‌الحکمه» را به ابوسهل فضل بن نوبخت واگذار کرده است. بنابراین منصب «امین» شناخته شده بوده و چه بسا ابن نوبخت این مسئولیت را پس از یوحنا بن ماسویه بر عهده گرفته، و این با وجود باقی ماندن ابن ماسویه در بیت‌الحکمه در طول خلافت هارون الرشید و پس از وی، امین، مأمون، معتصم و متوکل است، اما حضور وی به معنی ماندن در منصب «امین بیت‌الحکمه» در این مدت نیست.

۱. ابن‌ندیم، ص ۳۳۰-۳۴۳

۲. همان، ص ۳۳۳

۳. همان، ص ۱۲

۲- ابن ندیم در مقاله هفتم فهرست، ابوسهل فضل بن نوبخت را از اصحاب تعلیم در جمله مهندسیین، حاسبین و منجمین آورده، او به جهت ترجمه‌هایش از فارسی به عربی مشهور است، ابن ندیم درباره وی می‌گوید: «تکیه او در علمش به کتب فارسی بود»<sup>۱</sup>، از تألیفات وی کتاب «الفأل النجومی»، «الموالید»، «تحویل سنئ الموالید» و «المنتحل من أقوال المنجمین» در اخبار و مسائل و موالید می‌باشد.<sup>۲</sup>

۳- سهل بن هارون بن راهنوی دستمیسانی، معروف به ابن راهیون<sup>۳</sup>، که از میسان به بصره آمده و در خدمت مأمون بوده، ابن ندیم می‌گوید: «وی در خدمت مأمون و صاحب خزانه الحکمه بود»<sup>۴</sup>، ابن ندیم به مناسبت‌هایی نیز از او به عنوان «صاحب بیت الحکمه» یاد کرده است.<sup>۵</sup> شاید سهل در ابتدا امین و یا ناظر خزانه الحکمه بوده، سپس مأمون رتبه «امانه‌البیت» را به وی داده تا بطور عمومی متولی آن گردد. ابن نباته ذکر می‌کند که سهل ابتدا کاتبی بوده که کتابهای خزانه الحکمه را می‌نوشته و مأمون هنگامی که هیئت را برای آوردن کتب یونانی به سوی حاکم جزیره قبرس فرستاده، او را به عنوان نگهبان «خزانه الحکمه» تعیین کرده، جاحظ سهل را به براعت و فصاحت توصیف کرده و اینکه از بلیغان عرب بوده<sup>۶</sup>، شایان ذکر است که این سهل معروف به شعر و ادب است و تألیفات وی نمایانگر تخصص علمی یا فلسفی و یا مربوط به فلک و چیزی مشابه آن نیست.

پیداست که سهل بن هارون جایگاه والایی نزد مأمون داشته که مأمون وی را به همراه هیئت مذکور برای آوردن کتبی که در خزانه یونان - و در اتاقی که امکان دسترسی کسی به آن نبوده - نگاهداشته می‌شده، به سوی حاکم جزیره قبرس فرستاده و او را به محض رسیدن به بغداد نگهبان این کتب قرار داده، با علم به اینکه سهل بن هارون بر زبان یونانی مسلط نیست. شاید بتوان گفت، سهل پس از عهده‌دار شدن منصب «امانه‌بیت الحکمه» به تألیف در موضوعی دور از شعر و ادبیات پرداخته، وی کتابهایی تألیف کرده از جمله «الحکمه و منافعها»<sup>۷</sup>، این کتاب همانطور که پیداست ارتباطی مستقیم با منصب صاحب بیت الحکمه دارد، تألیفات دیگر وی عبارتند از: «دیوان رسائل» و «ثعله و عفره» که آن را به روش کتاب «کلیه و دمنه» نوشته، «الهدلیه و المخزومی»، «شجرة العقل»، «التمر و الثعلب»، «الواسق و الغدراء»، «تدود و ودود» یا «تدود و ودود و لروود»، «الضرتین»، «اسباسنوس فی إتخاذ الإخوان»، «الغزالبین»، «فی تدبیر الملک و السیاسة» و

۱. همان، ص ۳۳۳

۲. همان، نلینو کرلو، علم الفلک تاریخه عند العرب فی القرون الوسطی، ص ۴۳-۴۵

۳. جاحظ ابو عثمان بن عمرو بن بحر، البیان و التبیان، ج ۱، ص ۵۲ و ۸۹-۹۱، ابن ندیم، ص ۱۳۹، ابن نباته، شرح العیون فی شرح رساله ابن زیدون، ص ۱۳۲

۴. ابن ندیم، ص ۱۷۳

۵. همان، ص ۱۳، ۱۳۴، ۱۳۹

۶. ابن نباته، ص ۱۳۲

۷. جاحظ، ج ۱، ص ۵۲ و ۸۹

۸. ابن ندیم، ص ۱۳۳-۱۳۴

تواناییهای علمی کارمندان، مترجمین و ... / فرزانه آجرلو

«إلى ممیس بن أبان (أبان) فی القضاء»<sup>۱</sup>.

فهرست تألیفاتی که سهل بن هارون گرد آورده، از سویی اشتیاق او را به جنبه‌های داستانی، ادبی و نمادین علاوه بر تلاشش به نگارش در موضوع حکمت و سیاست منعکس می‌سازد و از سویی نیز دلالت بر توصیفاتی علمی است که به نظر می‌رسد از ویژگیهای مسئول امانت بیت‌الحکمه باشد. صاحب سابق بیت‌الحکمه ابوزکریا یحیی بن ماسویه نیز از جایگاهی علمی و منصبی عالی برخوردار بوده، وی طبیعی فاضل و پیشکسوت در نزد خلفاء بوده که زبان سریانی را خوب می‌دانسته، تا جایی که معروف به یوحنا سریانی بوده است. او در زمان هارون الرشید مسئولیت ترجمه کتب طبی قدیم که خلیفه از آنکارا و عموریه و دیگر شهرهای روم - بعد از فتح آنجا - آورده بوده را برعهده گرفته است. یوحنا در زمینه تألیف و ترجمه صاحب تألیفاتی طبی است از جمله «الکمال و التمام»، «الکامل»، «الحمام»، «دفع ضرر الأغذیه»، «الإسهال»، «علاج الصداع»، «السدر و الدوار»، «لم یمتنع الأطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن»، «محنة الطیب»، «مجسة العروق»، «الصوت و البحة»، «ماء الشعیر»، «الفصد و الحمامة»، «السواکت و السنونات»، «إصلاح الأدوية المسهلة»، «الحمیات»، «القولنج»<sup>۲</sup>. مطالعه عنوان بعضی از تألیفات وی اشاره به این دارد که سهل صاحب نظریاتی طبی در پرداختن به اموریست که در مورد آنها میان اطباء اختلاف نظر وجود دارد، از این رو ابن ابی اصیبعه نگارشهای او را اینگونه توصیف می‌کند: «او دارای کلامی زیبا و تصنیفهایی مشهور است»<sup>۳</sup>.

۴- سلم نیز از جمله افرادیست که ابن ندیم و دیگران نامش را ذکر کرده‌اند، نام کاملش معلوم نیست، زیرا اطلاعات موجود برای پی بردن به اصالت و شرح حال وی قابل اکتفا نمی‌باشد، تنها روایت این ندیم مبنی براینکه سلم «صاحب بیت‌الحکمه» بوده، در دست است. در روایتی ابن ندیم و قفطی اتفاق دارند، سلم یکی از اعضاء هیئت علمی بوده که مأمون به دربار پادشاه روم یا حاکم قبرس به هدف کسب رضایت وی در انتقال کتب تخصصی علوم قدیمی که در آنجا نگهداری می‌شده فرستاده، وی سلم را به عنوان «صاحب بیت‌الحکمه» در این وفد علمی مورد اشاره قرار می‌دهد. بنابر اطلاعات موجود، سلم مترجم ماهر فارسی به عربی بوده، علاوه بر اینکه کتابی در خصوص حکمت به روش کتاب سهل بن هارون تألیف کرده است. این تألیف وی شاید بازتابی از اهتمامش به منصب «صاحب بیت‌الحکمه» باشد. سلم یکی از مفسرین برجسته کتاب محسطی بطلمیوس، متشکل از سیزده مقاله است. آنچه در این باب قابل توجه می‌باشد این است که تعدادی از مفسرین پیش از سلم، کتاب محسطی را به درخواست یحیی بن خالد برمکی به زبان عربی تفسیر کرده‌اند، اما اینها - که نامشان را نمی‌دانیم - تفسیر خوبی از این کتاب ارائه نکرده‌اند، از این رو یحیی مجبور شد تا برای بار دوم اقدام به تفسیر این کتاب نماید. ابوحنان و سلم «صاحب بیت‌الحکمه» به این طرح پرداختند، آن را تفسیر کرده و به خوبی از عهده‌اش برآمده و سعی در تصحیح آن نمودند. این کار از ناحیه

۱. همان

۲. همان، ص ۳۵۴، ابن ابی اصیبعه موفق‌الدین، عیون الأنباء فی طبقات الاطباء، ص ۲۲۵، قفطی ابن ماسویه، تاریخ، ص ۳۸۰، ابن جلجل ابو داود سلیمان، طبقات الأدباء و الحكماء، ص ۶۵-۶۶

۳. ابن ابی اصیبعه، ص ۲۴۶، ۲۴۷



تعدادی از کارشناسان، پس از بررسی و مقایسه آن با تفسیر پیشین، مورد تأیید قرار گرفت. این کارشناسان رأی بر دقت و سلامت تفسیر ابوحنس و سلم دادند و اینکه دارای فصاحت و وضوح بیشتری است.<sup>۱</sup> باید گفت که قفطی، سلم و ابوحنس را برابر می‌دانست، آن دو صاحب بیت‌الحکمه و در نقل و ترجمه خبره بوده‌اند.<sup>۲</sup> ظاهراً سلم امانت بیت‌الحکمه را در زمان مأمون و بعد از پایان یافتن دوران تصدی این منصب توسط سهل بن هارون عهده‌دار شده، سلم آنگونه که معروف است، بر چندین زبان تسلط داشته، در عین اینکه به اشاره روایت ابن ندیم وی ترجمه فارسی به عربی را خوب می‌دانسته، در جای دیگر به تسلطش در تفسیر «مجسطی» که به زبان یونانی است، به همراه ابوحنس، مشهور است. با توجه به اینکه روایات تصریح نکرده‌اند که سلم بعد از سهل بن هارون صاحب بیت‌الحکمه بوده، شاید هر دو در یک دوره در این منصب بوده‌اند و مسئولیت بیت و خزانه را به تناوب داشته‌اند، و یا اینکه یکی جانشین دیگری بوده است.

۵- سعید بن هریم کاتب، به گفته ابن ندیم شریک سهل بن هارون در اداره بیت‌الحکمه بوده، صرف نظر از گفته ابن ندیم، اطلاعاتی در مورد شخصیت، زندگی و آثار علمی وی در دست نیست تا ما را از گذشته وی آگاه سازد. جاحظ در مدح وی می‌گوید: «وی بلیغ و فصیح و مترسل بود».<sup>۳</sup> مهم‌تر آنکه به گفته ابن ندیم، سعید کتابی با عنوان «الحکمه و منافعها» تألیف کرده، این عنوان برای کسی که در راستای هدف علمی و فلسفی بیت‌الحکمه مسئولیت اداره یا امانت بیت‌الحکمه را بر عهده گرفته مأنوس است. وی تألیف دیگری نیز با عنوان «رسائل»<sup>۴</sup> دارد که ظاهراً کتابی است در موضوع ادبیات و بخشی از آن در ارتباط با دیوان انشاء است، که ما درباره آن چیزی نمی‌دانیم. ابن ندیم و جاحظ در اینکه سعید بن هریم از بلیغان عرب و در بیت‌الحکمه شریک سهل بن هارون بوده<sup>۵</sup> اتفاق نظر دارند، رابطه این دو تنها به اداره بیت محدود نمی‌شده، بلکه شامل تألیف کتاب پیشگفته یعنی کتاب «الحکمه و منافعها» هم بوده، این کتاب همانگونه که در فهرست تألیفات سهل بن هارون آمد، به احتمال تألیف مشترک آن توسط این هر دو اشاره شده است. از این رو از تعبیر «شریک» سهل بن هارون نتیجه می‌شود که وی، معاون و یا جانشین امین بیت‌الحکمه - سهل بن هارون - بوده، بنابراین امین و نایبش اقدام به تألیف کتابی کرده‌اند با موضوع حکمت و منافع آن، اقدام سعید به تألیف دو کتاب مؤکد آنست که وی از فرهنگیان بغداد و از بلیغان عرب بوده است. در این صورت شریک یا معاون امین بیت‌الحکمه باید دارای خصوصیات علمی و جایگاه فکری والایی می‌بوده است. مورخ مشهور ابو جعفر طبری (متوفی ۳۱۰) در تعدادی از روایات که مربوط به ابو جعفر منصور<sup>۶</sup> و برامکه است وی را به عنوان راوی این روایات مورد تأکید قرار داده، طبری لقب «راوی» به سعید اطلاق نموده که نشان دهنده

۱. ابن ندیم، ص ۳۲۷

۲. قفطی، ص ۶۹، ابن ابی‌اصیبه، ص ۶۰

۳. ابن ندیم، ص ۱۳۴

۴. همان

۵. همان، ص ۱۳۹

۶. طبری ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ‌الرسول و ملوک، ج ۷، ص ۵۱۹، ۶۳۸، ۶۴۳، ج ۸، ص ۱۰۶، ۲۹۳

نقش فکری و تاریخی وی است.

۶- ابوزید حنین بن اسحاق عبادی، منسوب به عباد انصاری از ساکنان شهر قدیمی حیره، (متوفی به سال ۸۷۳/۲۶۰). صاحبان تألیفات علمی همچون ابن جرجل، ابن ندیم، قفطی و دیگران وی را از مشهورترین مترجمان اسلام می‌دانند. از این رو خلفاء عباسی پاداشی خاص برای وی منظور می‌داشته‌اند، به گفته ابن جرجل، حنین عهده‌دار امانت بیت‌الحکمه و متّصف به فصاحت، زیبانویس، شاعر عرب سرا و در چشم پزشکی پیشگام بوده است.

مدتی ساکن بصره بوده و از آنجا به بغداد نقل مکان می‌کند. مدتی نزد یوحنا بن ماسویه به فراگیری طب پرداخته، و به آن اشتغال نیز داشته، مشهور است که وی کتب یونانی بسیاری را از یونانی به عربی ترجمه کرده، از جمله کتاب «جالینوس» بطور ویژه، حنین سعی در ترجمه این کتب به زبان خود، سریانی و سپس عربی داشته، این علاوه بر ترجمه مستقیم تألیفات دیگر به زبان عربی بوده است. از اینرو عجیب نیست اگر علماء وی را به اینکه «عالم‌ترین مردم زمانش به زبان یونانی، سریانی و فارسی بوده است» توصیف کنند. ابن ابی‌اصیبه روایتی را در ارتباط با اینکه مأمون ارسطو - فیلسوف یونانی - را در خواب دیده، نقل می‌کند و اینکه ارسطو در آن هنگام به حنین بن اسحاق به عنوان واسطه معرفی ارسطو اشاره کرده و از اینرو می‌گوید: «حنین را فراخواند، زیرا کسی را در ترجمه همپایه او نیافت، و از او خواست تا کتب حکماء یونان را به زبان عربی ترجمه کند و اموال و عطایای زیادی به او بخشید»<sup>۱</sup>. مأمون نسبت به علماء بسیار سخاوتمند بوده و اولین چیزی که بر این امر دلالت می‌کند اینست که وی ترجمه‌های حنین را در کفه‌ای از ترازو و در کفه دیگر، هم وزن آن طلا می‌نهاد، به این جهت حنین (برای ترجمه به زبان عربی) کتبی را انتخاب می‌کرده که دارای اوراق ضخیمی بوده، وزن زیادی داشته باشند. در امر ترجمه و تحقیق بیت‌الحکمه در زمان مأمون رایج بوده که علامت مأمون (مهر یا امضاء) بر این کتابها نگاشته می‌شده<sup>۲</sup>، که حنین و دیگر افراد از مترجمین این کتب بوده‌اند.

ابن ندیم، در بیان فضیلت علمی ابن اسحاق می‌گوید که او بلاد عربی و بیگانه را به دنبال کتب قدیمی و گردآوری و انتقال آنها به بغداد زیرپا می‌گذاشته، وی به این منظور به روم نیز سفر کرده، و در این زمینه به شکلی گسترده‌تر به همراه فرزندان موسی که از علماء بودند فعالیت کرده، به طوری که بیشتر ترجمه‌هایش برای آنهاست<sup>۳</sup>. اطلاعات بدست آمده، بدون شک بر جایگاه والای علمی حنین بن اسحاق تأکید دارد، وی به ترجمه تألیفات طبی بخصوص تألیفات طبیب مشهور «جالینوس» اهتمام داشته، در تأکید بر دقت ترجمه حنین، ابن ابی‌اصیبه بین ترجمه او - به عنوان امین بیت‌الحکمه - از کتب جالینوس از سریانی به عربی و ترجمه‌های مترجم معروف، موسی بن خالد که وی نیز در آن زمان در بیت‌الحکمه فعالیت داشته، مقایسه کرده

۱. ابن ندیم، ص ۳۵۲، ابن جرجل، ص ۳۶-۳۷، ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۷۱-۲۷۴

۲. ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۵۹

۳. ابن ندیم، ص ۳۰۴، ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۵۹-۲۶۰

۴. ابن ندیم، ص ۳۵۲



و در تعلیقی بر این مقایسه گفته است: «انسان لال کجا و انسان بلیغ کجا؟ خاک کجا و افلاک کجا؟» میان این دو ترجمه تفاوت از زمین تا آسمان است.

ابن اسحاق چه زمانی مسؤولیت بیت الحکمه را بر عهده گرفت، این سئوالی است که روایت مذکور از ابن جلجل به آن پرداخته، اما ریاست وی در زمان مأمون قطعی نیست، هم بجهت حضور سلم به عنوان «امین» و هم به دلیل عدم اشاره صریح ابن ندیم به آن، ممکن است حنین در آن زمان با فرزندان موسی بن شاکر که متولی مؤسسه‌ای علمی - احتمالاً مرتبط با بیت الحکمه - بوده‌اند، در ارتباط بوده باشد، شاید هم صحیح‌تر این گفته‌ی وی است که حنین در زمان خلافت متوکل امین بیت الحکمه بوده، و این چیز است که ابن جلجل بر آن اشاره و تأکید دارد.<sup>۲</sup> حنین به تعداد زیادی از تألیفات و ترجمه‌ها پرداخته که به تفصیل در فهرست ابن ندیم و کتاب ابن جلجل و کتاب ابن ابی‌اصیبه آمده، از جمله «المسائل» که عبارت از مدخلی است در علم طب، گفته شده که حنین در زمان متوکل شروع به تألیف این کتاب نموده و به نظر می‌رسد این کتاب موجب شده تا به عنوان رئیس اطباء بغداد تعیین گردد.<sup>۳</sup> «العشر» کتاب دیگر وی، مقالاتی است در موضوع چشم، که به ترکیب چشم، مغز و عصب بینایی و داروهای چشم و دیگر امور می‌پردازد. کتابی با عنوان «العین» نیز دارد که در سه مقاله است، کتاب «التریاق» و کتابی در تلخیص «الدویه المفردة» جالینوس، کتاب جوامع کتاب جالینوس، و کتاب جالینوس فی الذبول علی الغلط الخارج عن الطبیعة، کتاب ثمار تفسیر جالینوس، کتاب قوی الاغذیه، ثمار کتاب بقراط فی المولدین لثمانیه اشهر، کتاب فی النبض، کتاب فی الحمیات، کتاب فی الیبیس، کتاب فی ماء البقول، کتاب فی ترکیب العین، مقاله فی ضیق النفس، کتابی در تولد الحصاة، کتاب فی تدبیر الأصحاء بالمطعم و المشرب و مقاله فی الآجال. او دارای تألیفاتی در دیگر زمینه‌های علمی از جمله کتابی در منطق و کتابی در نحو، مقاله‌ای در مد و جزر، کتابی در افعال شمس و قمر، مقاله‌ای در خلق انسان، کتاب نوادر الفلاسفه و الحکماء و آداب المعلمین القدامی، کتاب تاریخ العالم و المبدأ و الأنبیاء والملوک و الأمم و الخلفاء و الملوک فی الاسلام از آدم (ع) تا افراد بعد از او تا زمان خودش (یعنی زمان متوکل)، کتاب بیطره و کتاب حفظ الأسنان، کتاب إدراک حقیقه الأدیان، کتاب الفلاحه، مقاله‌ای در قوس قزح، کتابی در تشریح آلات الغذاء و کتابی در میاه الحمامات و غیره.<sup>۴</sup>

### علماء بیت الحکمه

معیار به کار گرفته شده در تنظیم اسامی علمایی که در راه‌اندازی جنبش علمی بیت الحکمه نقش داشته‌اند بر دو عامل اساسی مبتنی است: اول روایتی است مورد اتفاق ابن ندیم، قفطی و ابن ابی‌اصیبه مبنی بر اینکه مأمون به کتب یونانی قدیم عنایت و اهتمام بسیار داشته و اقدام به گردآوری و انتقال آنها به بغداد السلام

۱. ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۶۲

۲. ابن جلجل، ص ۳۶-۳۷

۳. همان

۴. همان، ص ۳۵۳، ابن جلجل، ص ۳۶-۳۷، ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۷۱-۲۷۴

نموده، خواه از جزیره قبرس، خواه از قسطنطنیه و یا از یونان. درجهٔ اعتماد به این روایت و درستی آن اساساً به این مطلب بستگی دارد که مترجمینی که در مدت خلافت مأمون، در بیت‌الحکمه به ترجمهٔ مقالات، رسائل و کتب، از یونانی به عربی یا از سریانی به عربی پرداخته‌اند، همگی باید در کنار علماء بیت‌الحکمه و یا در نهایت تحت نظارت و یا تشویق امراء بوده، و این مجموعه شامل مترجمین تألیفات فلسفی، منطقی و طبیی بوده باشد. دوم آنکه اطلاعات منابع مذکور و دیگر منابع مؤید این باور است که مأمون در حد بالایی به رصد، نجوم و فلک توجه داشته، و تأسیس مهم‌ترین و مشهورترین رصدخانهٔ بغداد در جایی از محلهٔ مرتفع شماسیه - در قیاس با ارتفاع شهر بغداد - تنها بدین خاطر بوده است. در این راستا می‌بایست اصحاب رصد و فلک را از سرزمینهای شرقی اسلامی فرامی‌خوانده، بر این اساس ابن‌ندیم و قفطی فهرستی طولانی از اسامی این علماء و مهندسین ابزار فلکی که در این رصدخانه به امر خلیفه مشغول به کار بوده‌اند را آورده‌اند. از این رو این منجمین و فلکیون و یا به اصطلاح صنعتگران و مهندسان که متخصص اسطرلابها و ازیاچ فلکی بوده‌اند نیز از علماء بیت‌الحکمه شمرده می‌شوند. اینان که تحت حمایت این مؤسسه علمی تصنیفات بسیاری را به انجام رسانده‌اند، آثارشان محدود به منطقهٔ خاصی نیست، و تألیفات هندیها و فارسیها را از هندی و فارسی به عربی ترجمه کرده‌اند.

با استناد به این معیار، فهرست اسامی علمایی را که در بیت‌الحکمه فعالیت داشته‌اند به زمینه‌های علمی زیر تقسیم می‌کنیم:

### ناقلین و مترجمین از زبان یونانی و سریانی به زبان عربی

۱- **ابراهیم بن صلت:** بر اساس اطلاعات موجود، ابراهیم اشتغال زیادی به ترجمه نداشت و آثارش به لحاظ کیفیت، متوسط ارزیابی شده است. ابن‌ابی‌اصیبعه دربارهٔ وی می‌گوید که ترجمه‌اش متوسط، و دستیار سرجس رأس العینی (منسوب به رأس العین، شهری بزرگ در جزیرهٔ فراتییه مابین حرّان و نصیبین و دینسر که رسعی و یا رأس نیز خوانده می‌شود<sup>۱</sup>)، اولین مترجم علوم روم به زبان سریانی بوده است<sup>۲</sup>. آمده است که ابراهیم مقالهٔ اول کتاب ارسطو معروف به «*السماع الطبیعی*» را ترجمه کرده، ابن‌ندیم این ترجمه را دیده است<sup>۳</sup>. وی کتاب دیگر ارسطو معروف به *مجسطی* که شامل سیزده مقاله است را نیز ترجمه کرده و حنین بن اسحاق ترجمهٔ وی را اصلاح نموده است<sup>۴</sup>.

۲- **ابراهیم بن عبدالله:** وی مترجمی یونانی و معروف به ترجمه از سریانی و یونانی به عربی است. از جمله آثار وی ترجمه مقاله هشتم از کتاب *طوبیقای ارسطو*<sup>۵</sup> و نیز *ریطوریقای او* به عربی است. ابونصر فارابی

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۴.

۲. ابن‌ابی‌اصیبعه، ص ۲۵۹ و ۲۸۲

۳. ابن‌ندیم، ص ۳۱

۴. همان، ص ۳۰۹

۵. همان، ص ۳۱

بر تفسیر این کتاب -ریطوریقا(خطابه)- نظارت داشته است. ابراهیم صاحب کتابخانه‌ای شامل کتبی یونانی در زمینه طب و فلسفه، از جمله «البرهان» اسکندر افرویدیسی بوده که این‌ندیم نیز آن را در آثار ابراهیم دیده است.<sup>۱</sup>

۳- **شهدی کرخی و پسرش:** این دو اهل کرخ و منسوب به محله‌ای بزرگ از محلات ضلع غربی بغداد و هر دو ماهر در ترجمه بوده، اما مشهور و شناخته شده نبوده‌اند. پسر در اواخر عمر پدرش از او تبحر بیشتری پیدا کرد، اما ترجمه وی -از سریانی به عربی- متوسط بوده، از مهم‌ترین ترجمه‌های وی «الْأَجْنَةُ» بقراط است. ابن‌بنی‌اصیبعه ترجمه شهدی را متوسط دانسته، اما این‌ندیم در تعلیقش بر ترجمه «الْأَجْنَةُ» آن را ترجمه‌ای نامطلوب می‌داند.<sup>۲</sup>

۴- **اسحاق بن حنین بن اسحاق:** کنیه اش ابویعقوب می‌باشد، وی در صحت ترجمه‌هایش از یونانی و سریانی به عربی شبیه به پدرش و موصوف به فصاحت در زبان عربی است، البته این‌ندیم او را در این زمینه برتر از پدرش می‌داند. اسحاق نیز مانند پدرش در خدمت چند تن از خلفاء و رؤسا بوده، اما عمده خدمت وی همراهی با قاسم بن عبیدالله بن سلیمان بن وهب وزیر معتضد و مکتفی بوده که بسیار نزدیک به وی و از افراد محترم نزد او بوده و ابوالقاسم اسرارش را با او در میان می‌گذاشته، وی به سال ۲۹۸ در زمان خلافت مقتدر وفات یافت. او تألیفاتی را به انجام رسانیده و تعدادی از کتب قدیم یونانی را نیز نقل و ترجمه کرده، از جمله «الادویة المفردة علی الحروف»، «الکناش»، معروف به «الکناش اللطیف» یا «الکناش الخلف»، «تاریخ الاطباء»، «إصلاح الأدویة المسهله»، مختصر کتاب اقلیدس، «المقولات»، «ایساغوجی»، «المدخل الی صناعة المنطق»، کتاب «إصلاح جوامع الإسکندرانیین» در شرح جالینوس بر کتاب فصول بقراط، و کتاب «بض». و نیز مقاله‌ای پیرامون اشیاء مفید در زمینه سلامت، حافظه و پیشگیری از فراموشی که آن را تألیف و به عبدالله بن شمعون تقدیم کرد و همچنین کتاب «صنعة العلاج بالحديد». در موضوعات غیر از طب نیز تألیفاتی داشته، از جمله «آداب الفلاسفة و نوادرهم» و مقاله‌ای در توحید.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد ترجمه‌های اسحاق از کتب طبیی در مقایسه با ترجمه‌هایش از تألیفات ارسطو در حکمت و شروع آن کمتر است.<sup>۴</sup>

۵- **ایوب أبرش:** وی به حرفه طبابت اشتغال داشته و از درایت و شناخت عالی در ترجمه کتب از یونانی به عربی و همینطور از سریانی به عربی برخوردار بوده است. ابن‌بنی‌اصیبعه وی را مترجمی متوسط دانسته که ترجمه‌هایش در اواخر عمر بهبود یافته و از آنچه در گذشته ترجمه می‌کرده بهتر شده<sup>۵</sup>، تا جائیکه در ترجمه‌های اواخر عمرش به سطحی عالی و نزدیک به ترجمه حنین بن اسحاق رسیده است.<sup>۶</sup> وی خطی زیبا

۱. ابن‌ندیم، ص ۳۱۳

۲. همان، ص ۳۰۵

۳. ابن‌ندیم، ص ۳۵۶

۴. ابن‌ابی‌اصیبعه، ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۲۳۴، ۲۷۴

۵. ابن‌ابی‌اصیبعه، ص ۲۴۱

۶. همان، ص ۲۸۰

داشته، ابن ندیم قلمش را تحسین کرده و او را یکی از شاگردان خطاط معروف «اسحاق بن حماد» در زمان خلافت منصور و مهدی دانسته است.<sup>۱</sup> نام ایوب ابرش در ترجمه، با نام سلام مرتبط است، وی به گفته ابن ندیم از مترجمین قدیمی از زمان برامکه بوده، این هر دو (ابرش و سلام) کتاب «السماع الطبیعی» ارسطو را ترجمه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۶- **اسطیفن بن باسیل:** ترجمه وی در حد ترجمه حنین بن اسحاق بوده و البته ترجمه حنین به لحاظ زبانی فصیح‌تر و مطبوع‌تر از وی بوده است.<sup>۳</sup> از جمله ترجمه‌های وی کتاب دسیقوریدس در موضوع آدیوئه مفردة، از یونانی به عربی است.<sup>۴</sup> کتابی از جالینوس با عنوان «حرکات الصدر والرئة» از یونانی به عربی که حنین بن اسحاق آن را اصلاح کرده، «علل النفس»، «حرکه العصل» و «عددالمقاییس» از تألیفات جالینوس را نیز ترجمه کرده است.<sup>۵</sup>

۷- **ایوب الرهاوی:** منسوب به رها یا رهاء (شهری در جزیره فراتیبه بین موصل و شام)<sup>۶</sup>، میان رهاوی و ابرش گاه خلط شده، ابن ندیم ایوب ابرش را همان ایوب رهاوی می‌داند اما ابن ابی‌اصیبه این دو را دو شخص متمایز می‌داند نه یک فرد. رهاوی مترجم بسیار خوبی بوده و ابن ابی‌اصیبه او را عالم به زبانها دانسته، اگرچه به سربانی بهتر از عربی آگاه بوده.<sup>۷</sup> ابن ندیم نیز وی را از جمله مترجمین به زبان عربی شمرده است.<sup>۸</sup>

۸- **باسیل مطران:** وی از مترجمین قدیمی شمرده شده، اما درباره امتیازات علمی‌اش، ابن ابی‌اصیبه وی را مترجم نسبتاً خوبی ذکر کرده،<sup>۹</sup> از جمله ترجمه‌های او، تفسیر فروریوس بر «السماع الطبیعی» ارسطو می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

۹- **جبرئیل بن بختیشوع بن جور جیس:** پدر وی در زمینه طب در خدمت هارون الرشید بوده و صاحب تألیفاتی از جمله «کناش» که به اختصار درآمده و نیز «التذکره» که آن را برای پسرش جبرئیل تألیف نموده است.<sup>۱۱</sup> جبرئیل در نزد خلفاء مشهور و معروف به فضیلت و در خدمت چند تن از خلفاء همچون رشید و مأمون بوده، تألیفات او نیز همچون پدرش در طب معروف بوده، مانند رساله فی المطعم و المشرب برای مأمون و کتاب المدخل الی صناعة المنطق و کتابی در باه و رساله‌ای مختصر در طب، وی مجموعه‌ای نیز با عنوان

۱. ابن ندیم، ص ۱۰

۲. همان، ص ۳۰۴

۳. ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۸۱

۴. همان، ص ۴۹۳

۵. همان، ص ۳۴۹

۶. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۰۶

۷. همان، ص ۲۸۱

۸. ابن ندیم، ص ۳۰۵

۹. ابن ابی‌اصیبه، ص ۲۸۱

۱۰. ابن ندیم، ص ۳۱۱

۱۱. ابن ابی‌اصیبه، ص ۱۸۷

«کناش» و همین طور کتابی در صنعت بخور برای مأمون تألیف کرده است.<sup>۱</sup> جبرئیل پسری به نام بختیشوع داشته که دارای جایگاه والایی نزد متوکل بوده، حنین بن اسحاق تعداد زیادی از تألیفات جبرئیل و به خصوص تألیفات جالینوس را به سریانی و عربی ترجمه کرده، وی نیز دارای تألیفاتی در زمینه طب، از جمله کتاب «الحجامه» است که در آن روش پرسش و پاسخ را بکار گرفته است.<sup>۲</sup>

۱۰- **حیب بن بهریز:** وی در موصل منصب مطران طائفه خویش را داشته و کتبی را برای مأمون تفسیر نموده، از جمله مختصر کتاب «باری ارمیناس» ارسطو. کتابخانه وی شامل مختصر کتاب دیگر ارسطو «تاطیغوریاس» بوده که آن را به صورت مشجر و غیر مشجر آورده است.<sup>۳</sup>

۱۱- **حیث بن حسن أعمس و مشقی نصرانی:** او یکی از شاگردان حنین بن اسحاق و از خویشاوندان او یعنی پسر خواهر حنین می باشد. از مترجمین زبردست سریانی به عربی است که حنین وی را گرامی و بر دیگر مترجمان به جهت ترجمه عالیش مقدم می داشته، بطوریکه ترجمه وی را تصحیح نمی کرده و کارش را می پسندیده است. از کتابهای وی می توان «الزیادة فی المسائل» (حنین نیز دارای چنین کتابی است)، «إصلاح الأدوية المسهلة»، «الأدوية المفردة»، «الأغذية»، «الإستسقاء» و مقاله «فی النیض علی جهة التقسیم» در انواع نیض را نام برد.<sup>۴</sup> ابن ابی اصیبعه درباره وی می گوید، او در ترجمه نیکویش همانند حنین و پسرش اسحاق بوده است.<sup>۵</sup>

۱۲- **حجاج بن یوسف بن مطر:** بر ارتباط وی با بیت الحکمه تأکید شده، او یکی از اعضاء گروهی است که برای آوردن تألیفات فلسفی و طبی قدیم به روم فرستاده شدند، ابن ندیم برای این شخص دو نام ذکر کرده و معلوم نیست که این دو نام معرف دو شخصیت متمایز هستند یا هر دو از آن یک فردند. گاهی به حجاج بن مطر که مترجم بوده و برای مأمون کتبی را تفسیر می کرده - شاید مقصود کتب یونانی باشد - اشاره نموده، زیرا این حجاج همان کسی است که کتاب مجسطی اقلیدس<sup>۶</sup> و المرأة ارسطو<sup>۷</sup> را ترجمه کرده، وی همچنین به نام حجاج بن یوسف بن مطر اشاره کرده، که کتاب اقلیدس (اسطروثیسیا) یا اصول هندسه را دوبار به عربی ترجمه کرده، که اولی به هارونی و دومی به مأمونی معروف است، ترجمه اخیر دقیق تر و قابل تکیه است.<sup>۸</sup> برداشت دقیقتر آن است که این دو بنا به گفته ابن ندیم - که حجاج بن مطر کتاب مجسطی ارسطو و اقلیدس که مقصود از آن اصول هندسه است را ترجمه کرده - شخصیتی واحدند. ابن ابی اصیبعه، حجاج بن

۱. همان، ص ۲۰۱

۲. همان، ص ۲۰۱ و ۲۰۹

۳. همان، ص ۳۰۴

۴. ابن ندیم، ص ۲۷۱، ۳۵۵

۵. ابن ابی اصیبعه، ص ۲۷۶

۶. ابن ندیم، ص ۳۰۴، ابن ابی اصیبعه، ص ۲۸۰

۷. ابن ندیم، ص ۳۱۲

۸. همان، ص ۳۲۷

مطر را از مترجمین متوسط رو به رشد می‌داند<sup>۱</sup>، این توصیف مبین دقت و اعتبار تعریف ابن ندیم و ابن ابی اصیبعه در مورد مترجمین است.

**۱۳- ابوزکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریا منطقی:** ابن ندیم درباره او می‌گوید: «وی در رأس همگنان زمانه خویش است»<sup>۲</sup>. شرح حال نویسان او را از این جهت که منطقی را نزد ابوبشر متی و ابونصر فارابی آموخته، ستوده‌اند. وی یگانه زمان است، در نسخ تلاش بسیار نموده، به طوری که گفته شده وی باخط نیکویش تفسیر طبری را در دو نسخه نگاشته و تعداد بیشماری از کتب متکلمین را تصنیف نموده، او خود می‌گوید در طول شبانه‌روز صدبرگه و یا کمی کمتر می‌نوشته است. وی صاحب کتب، تفاسیر و ترجمه‌های زیادی است، از جمله: تفسیر طویبقای ارسطو، مقاله‌ای در بحوث اربعه ارسطو، مقاله‌ای در سیاست نفس، مقاله‌ای در اهمیت صناعت منطقی، مقاله‌ای در مطالب خمس و رساله‌ای در رد دلایل معتقدین به «الأفعال خلق الله و اکتساب للعبد»، کتابی در طب، منافع و مضرات و مورد استعمال آن<sup>۳</sup>. وی بخوبی بر ترجمه سریانی به عربی مسلط بوده و فهرستی از تألیفات و ترجمه‌هایش آورده که ابن ندیم بر آن واقف است<sup>۴</sup>.

**۱۴- ابوزکریا یحیی بن بطریق:** پدر وی در ترجمه موضوعاتی از کتب یونانی قدیم در زمان منصور شهرت داشته و مترجمی ماهر شناخته شده، البته نه در سطح حنین بن اسحاق، در این صورت می‌توان گفت حنین نمونه‌ای ممتاز در ترجمه است که سایر مترجمان با وی مقایسه می‌شوند. بطریق پدر یحیی مترجمی زبردست بوده، و پسرش یحیی تنها در خدمت حسن بن سهل، والی مأمون در بغداد بوده است. یحیی زبان عربی و یونانی را بخوبی نمی‌دانسته، اما زبان رومی و خط آنها را که نزد علماء عرب معروف است به خوبی مسلط بوده، این خط از حروفی متصل به هم، همانند زبان یونانی قدیم، تشکیل یافته است<sup>۵</sup>. یحیی صاحب ترجمه‌هایی است از جمله کتاب «التریاق» بیسن، که عبارت از یک مقاله است<sup>۶</sup>، «طیماوس» که شامل سه مقاله و اصلاح آن توسط حنین بن اسحاق بوده<sup>۷</sup>، «جوامع کتاب النفس» ارسطو که در سه مقاله است<sup>۸</sup>.

**۱۵- ابوسلیمان محمد بن طاهر سجستانی منطقی:** «در علم و حکمت فاضل و مسلط و مطلع بر دقائق آن بود»<sup>۹</sup>. یحیی بن عدی منطقی استاد وی بوده که ابوسلیمان در بغداد به او پیوسته و شاگرد وی گشته، وی با فرزندان موسی منجم نیز در ارتباط بوده<sup>۱۰</sup>، در زمینه منطقی کتبی را تألیف کرده، از جمله مقاله

۱. ابن ابی اصیبعه، ص ۲۸۰

۲. ابن ندیم، ص ۳۲۲

۳. همان، ص ۳۲۲، ابن ابی اصیبعه، ص ۳۱۷-۳۱۸

۴. ابن ندیم، ص ۳۱۸

۵. همان، ص ۳۰۴، ابن ابی اصیبعه، ص ۲۸۲

۶. ابن ندیم، ص ۳۴۹

۷. همان، ص ۳۰۷

۸. همان، ص ۳۱۲

۹. ابن ابی اصیبعه، ص ۴۲۲

۱۰. ابن ندیم، ص ۳۰۴



فی مراتب قوی الإنسان و كيفية الإنذارات التي تنذر بها النفس من حوادث عالم الوجود. ابوسليمان به ادبيات و شعر توجه زیادی داشته، وی صاحب ابیاتی است که بعضی از آنها سئوالهایی منطقی است. ابن ابی اصیبعه کتاب مذکور را دو کتاب می‌داند نه یک کتاب، او کتابی نیز با عنوان «کلام فی المنطق» دارد، کتاب مسائل - سئوالاتی که از وی شده است - به همراه پاسخ آنها، تعلیقات حکمیة و ملح و نوادر، و نیز مقاله فی الأجرام العلویة طبیعتها طبیعة خامسة و أنها ذات أنفوس و أن النفس التي لها هي النفس الناطقة.<sup>۲</sup>

۱۶- زوریا بن ماجوه الناعمی الحمصی: ترجمه وی کم است، نامش در فهرست ابن ندیم ضمن اسامی مترجمین آمده و ابن ابی اصیبعه در وصف جایگاه او می‌گوید: «ترجمه ساده‌ای داشته و در حد مترجمین پیشین نیست»<sup>۳</sup>.

۱۷- عبدالملیح بن عبدالله حمصی: معروف به ابن ناعمه که نامش در اسامی مترجمین فهرست ابن ندیم آمده، از جمله افراد است که کتاب «السمع الطبیعی» ارسطو، که حاوی مطالبی غیرتعلیمی است را ترجمه کرده‌اند. زیرا این کتاب طبق گفته ابن اسحاق به تعلیم ترجمه قسطابن لوقا و غیرتعلیم ترجمه عبدالملیح تقسیم می‌شود.<sup>۴</sup>

۱۸- قسطا بن لوقا بلبکی: او مترجمی مشهور و مسلط به چندین زبان و در علوم حکمت فاضل بوده، وی ترجمه‌ای نیک و در زبان یونانی، سریانی و عربی فصاحت داشته، و از این رو همچون حنین بن اسحاق بسیاری از ترجمه‌ها را اصلاح کرده، ابن ندیم او را بسیار ستوده تا جائیکه می‌گوید: «باید به جهت فضیلت، شرافت و مهارتش در طب، بر حنین بن اسحاق مقدم داشته شود، اما بعضی دیگر حنین را بر وی مقدم می‌دارند، و این هر دو فاضلند»<sup>۵</sup>. وی در علوم بسیاری مانند طب، فلسفه، هندسه، اعداد و موسیقی تبحر داشته و صاحب تألیفات و ترجمه‌هاییست از جمله: کتاب «أوجاع النقرس»، کتابی جامع «الدخول إلى علم الطب»، که آن را برای ابواسحاق ابراهیم بن محمد معروف به ابن مدبر تألیف نموده، «الإسطقسات»، کتابی در «الأغذية عن طریق القوانين الكلية» که آن را برای بطریق البطارقة یا غانم العباس ابن سنباط تألیف کرده، کتابی در «النبض و معرفة الحیاء» کتابی در علت مرگهای ناگهانی، که آن را برای ابوالحسن محمد بن احمد کاتب بطریق الطارقه تألیف کرد، «معرفة الخدر و أنواعه و علله و اسبابه و علاجه» را برای قاضی القضاة ابومحمد حسن بن محمد نگاشت، «مراتب قراءة الكتب الطبیة»، «فی تدابیر الأبدان فی سفر الحج»، «فی وقع ضرر السموم»، «فی الدم»، «فی المره الصفراء»، «فی الهندسه» که شامل رساله‌ای در «المروحة و اسباب الريح» می‌باشد، «المدخل إلى علم الهندسة» که به روش پرسش و پاسخ است، «فی شکل الكرة و الاسطوانة»، «فی العمل بالكرة الكبيرة النجومية»، رساله‌ای در «إستخراج العدديات» از مقاله سوم اقلیدس.

۱. همان، ص ۳۲۲

۲. ابن ابی اصیبعه، ص ۴۲۷

۳. ابن ندیم، ص ۳۰۴

۴. همان، ص ۳۰۴

۵. همان، ص ۳۵۳، ابن ابی اصیبعه، ص ۲۸۰

وی در ریاضیات و نجوم نیز کتبی تألیف کرده از جمله بحث اوزان و مکابیل، جبر و مقابله، هیئت و نجوم، و نیز ابزاری که بر روی آن جوامع [احکام نجومی] نوشته شده و از آنها نتیجه گرفته می‌شود. سه مقاله و نیمی از کتاب برفنطس در مسائل عددیه، و همچنین کتاب فی المرایا المحرقه را تفسیر نموده، در منطق و فلسفه نیز صاحب کتب آداب الفلسفه، الفرق بین الحيوان الناطق و غیرالناطق، المدخل الی المنطق، مذهب اليونانیین و کتاب فی عبارة کتب المنطق است، در تاریخ نیز کتابی با عنوان الفردوس فی التاريخ دارد. قسطنین لوقا دارای عباراتی نیکو و قریحه‌ای خوش بوده، در ارمینیه سکونت داشته و بعد از خدمت به مقتدر در بغداد، در آنجا (ارمینیه) اقامت داشته است.<sup>۲</sup>

۱۹- هلال بن ابی هلال حمصی: وی بجهت صحت ترجمه‌اش معروف بوده، اما طبق اشاره ابن‌ابی‌اصیبغه از فصاحت و بلاغت در لفظ برخوردار نبوده، ابن‌ندیم وی را از مترجمین یونانی به عربی ذکر کرده، وی مقالات چهارگانه اول کتاب «مخروطات» ابلونیوس را ترجمه کرده است.<sup>۳</sup>

این فهرست از اسامی مترجمین از زبانهای یونانی و سریانی به زبان عربی نمایانگر همه مترجمین و یا حتی اغلب آنها نیست، چراکه اسامی دیگری نیز هست که نویسندگان شرح حال علماء و اطباء آنها را آورده‌اند، مانند: عیسی بن یونس کاتب حاسب<sup>۴</sup>، عیسی بن یحیی شاگرد حنین که مورد ستایش حنین بوده، عیسی بن نوح<sup>۵</sup>، فتیون مترجم معروف به فتیون نصرانی، موسی بن نوح<sup>۶</sup> مترجم که کتابهای زیادی از جالینوس را ترجمه کرده، عبد یسوع بن هریرز<sup>۷</sup>، فرزندان موسی از جمله محمدبن موسی و تاورز اسقف کرخ بغداد، ابراهیم بن محمدبن موسی کاتب و محمدبن عبدالملک زیات که کتابهای زیادی به نام اوست و نسبت به مترجمین و نسخاها سخاوتمند بوده است.<sup>۸</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. ابن ندیم، ص ۳۵۳، ابن‌ابی‌اصیبغه، ص ۲۸۰، ۳۲۹-۳۳۰
۲. ابن‌ابی‌اصیبغه، ص ۳۲۹
۳. ابن ندیم، ص ۳۲۶، ابن‌ابی‌اصیبغه، ص ۸۰
۴. ابن‌ابی‌اصیبغه، ص ۲۸۳
۵. ابن ندیم، ص ۳۰۵
۶. ابن‌ابی‌اصیبغه، ص ۲۸۱
۷. همان، ص ۲۸۲
۸. همان، ص ۲۸۳ و ۲۸۴